

عدالت همچون الگوی حقانیت

دیانت به عدالت سنجیده می‌شود تا میزان حقانیت آن شناخته شود. عدالت در حیات اجتماعی از بنیادی‌ترین مسائل فکری و نیز عملی بشر است؛ مقوله‌ای که در طول تاریخ اندیشه عالمان و فیلسوفان بسیاری را به خود مشغول داشته و آنان را به شناخت خود کشانده است، به‌ویژه از منظر کسانی که داعیه‌دار اصلاح جوامع انسانی و سعادت آدمی بودند. در این میان برخی چون متفکران دینی که به زعم خویش، بهترین نوع زندگی را در اختیار بشر می‌گذارند، اهمیت حیاتی دارد، به همین سبب پرداختن به آن از این منظر ضرورتی مضاعف می‌یابد.

نیاز انسان به دین و به تبع آن پیدایی ادیان گوناگون آسمانی و غیرآسمانی در طول تاریخ و حتی امروز، انسان خردمند را به اندیشه انتخاب درست و برتر فرامی‌خواند تا از میان آنها، آنی که به حقیقت نزدیک‌تر است برگزیند، هر چند برای عوام مردم دغدغه‌ای نباشد؛ از آن رو که به دین ارثی و اجدادی بسنده کرده و هر گونه تردید و پرسش در باره آن را نابجا می‌دانند، ولی آنان که در پی شناخت حقیقت و انتخاب آگاهانه راه و رسم درست زندگی‌اند، می‌کوشند تا از میان ادیان، دینی را برگزیده و الگوی عمل خویش قرار دهند که با معیارهای برون دینی و شاخص‌های منطقی سازگارتر باشد. انگاره دینی که همسازی بیشتری با شاخص حقیقت‌سنج داشته باشد، شایستگی پذیرش و پیروی است. این که چه ملاکی برای ارزیابی و آزمودن دین می‌توان شناسایی کرد؟ یکی از پرسش‌های مهم این حوزه است.

در میان شاخص‌های دین سنجی، همچون عقلانی بودن، انطباق با اخلاق جهانی، توان ساخت زندگی دنیایی و همراه سازی مردم و اعتنای به کرامت انسانی، انطباقش با عدالت از اهمیت بیشتر برخوردار است. اگر دینی با عدالت سازگار نیفتد، بی‌گمان از ارجمندی می‌افتد و طبعاً شایسته پیروی نخواهد بود و این عدالت است که به‌عنوان معیاری سنجیده، صلاحیت آن را تعریف می‌کند. شاید از همین منظر است که در روایتی شیعی، خداوند به عدل - نه عادل که در آن بحثی نیست - شناسانده شده‌است؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الْعَدْلُ (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱۶/۲). هیچ داده دینی نمی‌تواند/ نیایست با عدالت سازگار نباشد و اگر چنین اتفاقی رخ دهد، در حقانیت آن باید تردید کرد، البته در این که عدالت چیست و چگونه شناخته می‌شود، بحث‌های پیچیده و دقیقی از سوی متفکران دینی و فیلسوفان عدالت ارائه شده‌است.

در معنای عدالت، گستره، شاخص‌ها و مصادیق آن و نیز چگونگی اجرا یا دستیابی آن، به فراوانی سخن گفته شده و هر کسی از منظری به آن نگریسته است، اما دو نکته برای همگان مقبول بوده و هست، یعنی در مقام نظر و نظریه‌پردازی چیزی جز آن را ابراز نمی‌کنند؛ یکی آن‌که عدالت نیکوترین امر انسانی و بایان عنایت است و هیچ انسانی از ظلم، بی‌عدالتی و تبعیض دفاع نمی‌کند و دو دیگر آن‌که نمی‌توان عدالت را به سود ادیان، افراد، گروه‌ها یا اقشاری، به هیچ بهانه ارزشی یا سودمندانه مصادره یا توجیه کرد؛ هر چند در مقام عمل، هر دو مقوله با مشکل جدی روبه‌رو هستند. اهمیت بی‌بدیل عدالت در فرهنگ شیعی و ادبیات پیشوایان که با رویکرد تمدنی همراه است، تبلوری چشمگیر دارد، چنان‌که آمده است: عدالت، همچون آب گوارایی که انسان تشنه‌ای را سیراب کرده، حتی اندک آن هم ارزشمند است (همان، ۱۴۶/۲) و در روایتی از امام صادق (ع)، عدل چنان گسترده و فراگیر شناسایی شده که اگر میان مردم به اجرا در آید از همه چیز بی‌نیاز می‌شوند. و از آن بالاتر، آسمان رزق و روزی خود را به اذن خداوند بر آنان فرو می‌ریزد و زمین نیز برکات خود را به آنان ارزانی می‌دارد (مفید، ۱۴۱۰: ۲۸۰). محمدتقی مجلسی (۱۳۷۵: ۳۱/۶) ذیل این روایت می‌نویسد: هر جفایی که مردمان می‌کشند به سبب عدم عدالت می‌کشند که ضررش به فقرا و اغنیا هر دو می‌رسد و نیز آمده است قوام و استواری زمین و آسمان به عدالت است و در حیات سیاسی و اجتماعی نیز، ثبات و پایداری دولت با آن تضمین می‌شود، زینت و جمال دولت با همان است و هیچ چیزی همانند عدل، حکومت را زیبا نمی‌کند (نک. محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ۱۳۸۵/۲).

عدالت مهم‌تر از آن است که در کوتاه‌سخنی بتوان به آن پرداخت، اما جز این چاره نیست که به قدر توان و امکان از آن سخن به میان آید. این شماره از مجله، همچون شماره قبلی، با همت پژوهشیان و دغدغه‌مندان، ابعادی هر چند کم دامنه، به عدالت در سیره و نگاه پیشوایان شیعی پرداخته است؛ با این اقرار که نه آن‌چه آمده جامع است و نه سخن آخر، بلکه تلاشی است برای شناخت بهتر حقیقت.

منابع

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴)، لوامع صاحبقرانی، قم، اسماعیلیان.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶)، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰)، المقنعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

سیدعلیرضا واسعی

سر دبیر